- زندگی سلام
- پنج شنبه
- ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳
- ۷ ذی القعده ۱۴۴۵
- ۱۶ می ۲۰۲۴
- شماره ۲۷۱۲

شانس آوردیم به ما فقط می‌گفتن «قوز نکن» و مثل این طفلی طناب پیچ‌مون نمی‌کردن!

تیترخند

وزیر کار از منتفی شدن افزایش حق مسکن کارگران خبر داد

کارگران: خوبه اسمش وزیر کاره، اگه وزیر بیکاری بود چی کار می‌کرد؟!

رئیس سازمان مالیاتی: امکان پرداخت مالیات مقطوع مشاغل در ۱۵ قسط فراهم شد

مالیات‌دهندگان: بر این مژده گر پول فشانیم رواست!

کشف ۳ کیلوگرم مخدر شیشه از هندوانه‌های اهدایی به اردوگاه زندان اصفهان

متهم: به من چه؟ من فقط اهدا کردم. برین پیدا کنید هندوانه فروش را!

تا پخند

زندگی یک آدم موفق این‌جوریه که ۱. از خواب بیدار میشه. ۲. میره سر کار و پول پارو می‌کنه. منم همین جوری هستم، فقط اول میرم سر کار و پول پارو می‌کنم، بعد از خواب بیدار میشم و می‌بینم بی‌پولم.

تا الان دفعه چهارمه که لباس زمستونی‌ها رو جمع می‌کنم اما یهو چنان بارون میاد و هوا سرد میشه که باید دوباره از شون استفاده کنم. بهار عزیز لطفاً زمستون نباش.

واقعاً نقش دیزاین و استکان مامان بزرگ‌ها این‌قدر مهمه که یک چای نبات ساده رو توکافه می‌فروشین ۸۰ هزار تومن؟

خاطره بازی

دانیال دایی داوودا ینا
طنزپرداز

راز پول هدر دادن در شهربازی‌های قدیم

قبلاً تو هر شهری یک شهربازی بود که صف وسایل اصلیش خیلی طولانی بود. طرف توصف از کودکی به نوجوانی می‌رسید، ممکن بود از دواج کنه و پیر بشه، بعد تازه نوبتش می‌شد سوار چرخ و فلک بشه و دو دور بچرخه یا با قطار وحشت که نفهمیدم خنده‌دار بود یا ترسناک وارد یک فضای تاریک با صدای قاه قاه بلند می‌شد که عروسک عنکبوت و مومیایی پلاستیکی اینور اونورش بودن. برای همین بهترین راه برای لذت بردن از شهربازی بدون اتلاف وقت، یا خوردن شیر بلال بود، یا خرید پشمک. بعد هم بچه‌ها با همون سیخ شیر بلال و پشمک و به یاد جنگجویان کوهستان به جون هم می‌افتادن و چشم و چال همدیگه رو مصدوم می‌کردن. اما بزرگ‌ترها اگه می‌خواستن سرگرم بشن باید خوب گوش تیز می‌کردن. صدایی با شور و حرارت می‌گفت: «بشتابید، سراسر شور و هیجان، هم سرگرم شوید هم جایزه ببرید». بعد عمده اینا یک جایزه فریبنده داشت که باعث می‌شد پول خرج کنیم تا بازی کنیم. این جوری که دوتا دارت بود که باید با هاشون بادکنک می‌ترکوندی و به دلایل نامعلومی هیچ‌وقت هم به هدف اصابت نمی‌کرد. یا با توپ تنیس که بهش می‌گفتن توپ هفت سنگ باید استکان می‌شکستی که اونم نمی‌شد. در یک مورد دیگه هم یک دروازه می‌ذاشتن و می‌گفتن اگه به این دروازه‌بان از ۵ تا پنالتی دوتا گل بزنی جایزه برنده میشی. دروازه‌بان هم که رخ‌نقی معمولی داشت یهو در حد بوفون ظاهر می‌شد و نمی‌ذاشت هیچ توپی گل بشه و پولت هدر می‌رفت.

جدول سخت | ۱۹۸۵

افقی: ۱- آرکئولوژی ۲- ضبط تک‌آوایی- از اقمار سیاره مشتری- خدای تجارت یونان باستان ۳- رسوا- ضمیر اول شخص جمع- دریای عرب ۴- جوی- یک نوع پاستا ۵- خطی در دایره- تکیه برپشتی ۶- الگوگذاری رایانه‌ای- چراغ بادی- بوی ماندگی ۷- سقف دهان- فرش- از ادات پرسش ۸- مخفف شاد- ساختمان ۹- وسیله نقلیه ریلی- خاک گور ۱۰- مساوی- الفبای آبادانی- سحر ۱۱- گاز کمیاب- کافی- بن ۱۲- رمان آگاتا کریستی
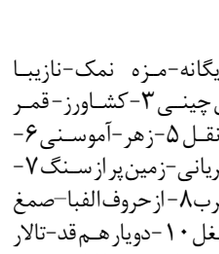
عمودی: ۱- شهر رطب- از دسته پنی سیلین‌ها ۲- چادر ترکمانان- بندگی- بخشنده ۳- نشانگان بیماری- شایعه- حرف زیادی ۴- گلخن حمام- سراپرده- ماه ۵- فرمان- بلوا ۶- نام پسرانه- دشت بی‌آب و علف- بار درخت ۷- امر از شستن- مستعمره- اولین شهید اسلام ۸- قابله- جغد ۹- مایع لعابدار- هریک از زوایای چهارگانه کعبه- مخفیانه ۱۰- کله- کاغذ روزنامه- دانشمند انگلیسی ۱۱- راست- نیرو- سکرتر ۱۲- همسر بخت‌النصر- دانه خوشبو